نگاه تحلیلی به واقعه غدیر:

عید غدیر روز ولایت دو امام

بسم‌الله الرحمن الرحیم

غدیر تجلی‌گاه ولایت اعظم

واقعهٔ آسمانی و بسیار پر اهمیت غدیر از جهات گوناگون و ابعاد مختلفی قابل بررسی و تأمل است. اما به نظر می‌رسد آنچه مقدم بر همهٔ ابعاد باید مورد توجه قرار بگیرد، آن است که غدیر قبل از آنکه محلّی برای اعلام ولایت و وصایت امیرالمؤمنین (ع) باشد، محلی برای تجلی ولایت اعظم رسول خدا (ص) بود. به عبارتی دیگر غدیر مهم‌ترین موقعِ محکِ اطاعت پذیری مردم، نسبت به ولایت پیامبر (ص) بود، تا پذیرش ولایت علی ابن ابی‌طالب (ع).

اگر بخواهیم در غدیر به غربت وصی پیامبر (ص) نگاه کنیم، باید پیش از آن به غربت خود پیامبر (ص) بنگریم. غربتی که ناشی از نتیجهٔ آن امتحان بزرگ بود. در واقع باید بگوییم غدیر اساساً زمان اوج غربت ولایت پیامبر (ص) بود، قبل از آن‌که آغاز غریبی امیرالمؤمنین (ع) باشد.

مهمترین سند این سخن همان کلام محوری رسول خدا (ص) در سخنرانی غدیر است که فرمود: «مَن کُنتُ مُولاهُ فهذا عَلیٌّ مُولاه» ابتدا بر ولایت خود تأکید می‌فرماید و سپس به ولایت علی (ع) تصریح می‌کند. لازمهٔ این معنا آن است که: هر که ولایت رسول خدا (ص) را نپذیرفته باشد، طبیعتاً ولایت علی (ع) را هم نخواهد پذیرفت.

با کلمهٔ «مَن کُنتُ مولاه» در واقع ابتدا رسول‌خدا (ص) از مردم پرسیدند، چه کسی مرا به مولایی قبول دارد؟ چه کسی است که بر شما از خودتان به خودتان حق‌دارتر است؟ اولا دعوا بر سر همین موضوع بود و اتّفاقاً بر سر همین موضوع هم باقی ماند، یعنی ولایت رسول‌خدا (ص).

خدای متعال به جای آنکه خود با آیه‌ای در قرآن به معرفی صریح ولایت و وصایت امیرالمؤمنین (ع) بپردازد، کار معرفی علی (ع) را به پیامبرش (ص) واگذار می‌کند. درست است که پیامبر (ص) آنچه را بر زبان جاری می‌کند همه به دستور خداوند متعال است. چرا که فرمود: «ما یَنطِقُ عَنِ الهَوی اِن هُوَ وَحیٌ یُوحی». امّا گاهی اوامر خدا صریحا و مستقیما در آیات قرآن آمده است و پیامبر (ص) آن را برای مردم قرائت می‌کند و در نهایت آن را شرح می‌دهد، و گاهی اوامر الهی باید از طریق بیان مبارک رسول‌الله (ص) به مردم برسد؛ و مردم از او بشنوند مانند آن‌چه در جزئیات بعضی از احکام، و مصادیق برخی دیگر از اوامر الهی این‌چنین عمل می‌شد. و مردم هم عموماً با چنین رویه‌ای آشنا بودند.

در واقع خداوند به رسول خود اینگونه دستور داده است که چون بر مردم واجب است که امر تو را اطاعت کنند و چون اطاعت امر تو همان اطاعت امر من است، پس تو به آنها امر کن که ولایت علی ابن ابیطالب (ع) را بپذیرند. خداوند متعال خواسته است حکم ولایت و وصایت امیرالمؤمنین از زبان پیامبر (ص) به مردم برسد. این شیوهٔ ابلاغ، با توجه به همهٔ حساسیت‌هایی که دربارهٔ این موضوع وجود داشت، زمینهٔ امتحان بزرگ مردم دربارهٔ میزان تبعیت از فرمان رسول خدا (ص) شد.

اما حکمت این‌که چرا خداوند اساسا معارف و احکام دین خود را دو قسمتی کرده است، بخشی از آن‌ها را خود صریحاً در کتاب مقدس بیان می‌کند و بخشی از آن‌ها را به عهدهٔ پیامبر خود می‌گذارد، و او باید به بیان و انشاء آنها بپردازد، موضوع بسیار مهم و قابل تأملی است که باید در جای خود مورد بررسی قرار بگیرد. و بعد، این که چرا اعلام وصایت و امامت علی (ع) در آن بخش قرار گرفته است که پیامبر باید رأساً آن

را به مردم ابلاغ کند خود موضوع قابل توجه دیگری است که در بردارندهٔ رازها و رمزهای بیشماری است و نباید از آن گذشت؛ و در مجال دیگری باید به آن پرداخت.

پس عید غدیر روز ولایت دو امام است. یکی امامت و ولایت اعظم نبیّ مکرم اسلام (ص) که در اوج خود به منصهٔ ظهور رسید؛ و دیگری امامت امیرالمؤمنین (ع) که به همهٔ مردم اعلام شد. در حقیقت ما عید غدیر را به دو دلیل جشن می‌گیریم. یکی عالی‌ترین تجلی ولایت رسول‌الله(ص) و دیگری فراگیرترین اعلام رسمی ولایت علی ولی‌الله (ع).

ولایت رسول الله اعظم (ص)

ممکن است تعبیر ولایت رسول‌خدا (ص) تا حدودی ناآشنا به نظر برسد. چون معمولاً مفهوم ولایت برای مؤمنان، یادآور معنای ولایت امامان معصوم (ع) است. ولی می‌دانیم پیامبران الهی عموماً و خاتم النبیین خصوصاً از مقام امامت هم برخوردار بوده‌اند. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: « مَا اَرسَلنَا مِن رَسُولٍ اِلّا لِیُطاعَ بِاِذنِ اللهِ » اشاره به همین مقام ولایت دارد. و وقتی بارها به اطاعت آخرین رسولش در کنار اطاعت خودش امر می‌کند و می‌فرماید «اَطیعُوا اللهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ» به ولایت رسول‌الله (ص) مستقلا تصریح دارد.

همچنانکه پیامبر گرامی (ص) نیز قبل از بیان حکم ولایت علی ابن ابی طالب (ع)، به امر ولایت خود تصریح فرمودند: «یَا أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِیُّکُمْ وَ أَوْلَی بِکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ...»

معنای ولایت رسول‌خدا (ص) این است که او می‌تواند به ما فرمان بدهد. و لزوم تبعیت از فرمان او برای ما در به اندازهٔ ضرورت اطاعت از خداوند متعال است. او صاحب اختیار ماست و ادارهٔ امور زندگی ما آحاد امت او در اختیار او قرار داده شده است. پس او می‌تواند برای بعد از خود امامی منصوب نماید، حتی اگر خدا صریحا به او نفرموده باشد این کار را انجام بده و یا چه کسی را منصوب کن. اگر چه در واقعهٔ غدیر آنچه اعلام شد طبق دستور مؤکد و مشخص خداوند متعال بود و این مطلب را بارها پیامبر اکرم (ص) تصریح فرمودند.

تأکید قرآن بر ولایت پیامبر است یا جانشینان او؟

سبب شهرت این آیهٔ کریمهٔ قرآن «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا اَطیعُوا اللهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الاَمرِ مِنکُم» در بین مؤمنان به ولایت امامان معصوم (ع)، بیشتر وجود لفظ « اُولی الأمر» است؛ و توجه ما بیشتر معطوف به دلالت آیه بر ولایت اولی‌الامر و تعیین مصداق آن در کلمات رسول خدا (ص) است؛ که در جای خود امر لازمی است. اما ذیل این کریمه باید پیش از پرداختن به لزوم اطاعت از اولی الامر، به اطاعت از رسول خدا (ص) توجه شود.

در این آیهٔ قرآن کلمهٔ «أَطِیعُوا» دو بار تکرار شده؛ یک بار پیش ازکلمهٔ مقدس «الله» و بار دیگر پیش از کلمهٔ مبارک «الرَّسُول». با اینکه ممکن بود با یکبار گفتن «اطیعوا» کلمهٔ رسول را به خدا عطف نمود. همچنانکه در جملهٔ بعدی کلمهٔ اولی‌الامر به رسول عطف شده است. و حتی ممکن بود هر سه کلمه پس از یکبار اطیعوا پشت سرهم بیایند و بر یکدیگر عطف شوند.

اما اینکه یک بار فرموده است که از خدا اطاعت کنید و دوباره فرموده است از رسول اطاعت کنید، نشانهٔ تأکید ویژهٔ خداوند متعال بر اطاعت رسول است. و نشان می‌دهد اطاعت رسول خدا (ص) آنچنان هم در میان مردم بی‌مسئله نیست.

گویا خداوند متعال به مردم می‌گوید؛ رسول من حرفهایی برای شما دارد که صریحا در قرآن کریم نیامده است و مستقیما امر من محسوب نمی‌شود اما از آنجا که او از روی هوا حرف نمی‌زند بلکه هر سخنی می‌گوید عین وحی است «مَا یَنطِقُ عَنِ الهَوَی، اِن هُوَ اِلّا وَحیٌ یوحَی» اوامر او مانند اوامر من واجب الاطاعه است. پس تأکید قرآن کریم در این آیه بر توجه نمودن به اطاعت از رسول است. واقعیت هم همین

است؛ اگر از رسول خدا اطاعت کامل می‌کردند دیگر دعوایی بر سر اطاعت از اولی‌الامر و تعیین مصادیق آن و پنهان نمودن اوامر صریح رسول گرامی (ص) باقی نمی‌ماند.

پس آنچه که در روز غدیر غریب ماند، ولایت امیرالمؤمنین (ع) نبود، بلکه قبل از آن و مهم‌تر از آن ولایت رسول خدا (ص) بود. و این امری بود که با کمال تأسف باید گفت قبل از آن هم سابقه داشت و بی‌سابقه نبود. کسانی که در عصر حضور و حاکمیت پیامبر (ص) و هنگام صدور فرامین او صریحاً از او می‌پرسیدند: این فرمان خداست یا فرمان خودت، پیداست بعد از او با فرمان‌هایش چه می‌کنند.

اشارات و تصریحات قرآن به غربت ولایی پیامبر (ع)

باید دانست شخص رسول الله (ص) نبود که غریب بود بلکه او در آن زمان در اوج شهرت، محبوبیت و اقتدار اجتماعی قرار داشت، ولی شخصیت ولایی پیامبر (ص) غریب بود. یعنی اینکه از او به عنوان رسولی که اطاعت اوامرش واجب است و ولایتش مطاع است کمتر تبعیت می‌شد. حتی شخصیّت نبوی رسول‌الله (ص) هم غریب نبود چون بسیار شده بود که هنگام بیان یک امر دینی از او می‌پرسیدند، آیا این سخن خداست یا حرف خود توست این سؤال آن‌چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد آن زمان سؤال نسبتا رایجی بود و گواه بر این مدعاست که برخی از مردم به سهولت بین فرمان خدا و رسول (ص) تبعیض قائل می‌شدند. البته کار به همین‌جا ختم نمی‌شد بلکه بسیاری اوقات با پیامبر (ص) به بحث و جدل نیز می‌پرداختند و برای تغییر رأی رسول‌خدا (ص) اصرار می‌ورزیدند.

جا دارد برای اثبات غربت ولایی رسول خدا (ص) به آیه‌ای از قرآن نگاه کنیم: «وَ إِذا قیلَ لَهُم تَعالَوا إِلی ما أَنزَلَ اللهُ وَ اِلی الرَّسُولِ رَأَیتَ المُنافِقینَ یَصُدُّونَ عَنکَ صُدُوداً» یعنی: « هنگامی که به آنها گفته می‌شود به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر(ص) بیایید منافقین را می‌بینی که از تو اعراض می‌کنند». اینکه چرا از ما انزل الله هر چند به ظاهر اعراض نمی‌کنند ولی از اطاعت از رسول اعراض می‌کنند موضوع جالب توجه و مهمی است.

بیماری و مرض منافق، این است که می‌گوید ما با کتاب خدا مشکلی نداریم بلکه با حرف رسول‌خدا (ص) مشکل داریم. در نتیجه بر سر راه ما انزل الله سدّ ایجاد نمی‌کند و حتی شاید مردم را دعوت به قرآن خواندن هم می‌نماید ولی به فرمایش قرآن از اطاعت پیامبر(ص) ایجاد سر باز می‌زنند.

عظمت ولایت رسول‌خدا (ص) و نیز غربت ولایت او به اندازه‌ای است و در قرآن کریم آن‌قدر سخن از آن به میان آمده که دیگر نوبت به سخن صریح از ولایت امیرالمؤمنین (ع) نمی‌رسد. در واقع خداوند با سخن از ولایت رسولش، از ولایتی سخن گفته که اگر مورد ظلم و انکار واقع نمی‌شد، ولایت امیرالمؤمنین (ع) نیز به راحتی پذیرفته می‌شد و دعوایی بر سر آن نبود.